

که از آسمان آمده بود دیدی که وی با باله و بزرگ میتو و ما هم روی  
 زمین را فرو گرفت پس چنان شدی که غیر از آسمان و زمین در آن سنگ  
 هیچ نمی دیدی بخت نفر گفت راست خوبی که من دیده بودم اینست غیر  
 آن بخت گفت ضمائم مختلفه است و در این ابعثی است که تو درانی  
 و نفقه ابعثی که بپوشد از تو مالک ایشان شود اما مصلی اهل روم  
 و اهل فارس و سیفال و وزن که بادشاه روم و فارس شوند و اهل  
 سنگ که ضمیر ایشان گویند دینی است که در آخر الزمان ظاهر شود و خدا بخواهد  
 پیغمبری از عرب برانگیزد و همه دنیا را باطل کند و همه روی زمین را فرو  
 گیرد **و از آنکه گفت** که او هر چه رضی الله عنه گوید که چون نبی الهی  
 از قوم و غلبه بخت نصر در بلاد برکنده شدند جماعتی از فرزندان آن زمان  
 علیه السلام که در کتب آنها خود لغت رسول اصلی الله علیه و سلم خوانده  
 بودند و دانسته که ظهور وی در یکی از دیه های بلاد عرب خواهد بود که  
 در آنجا در حجت خرم بسیار باشد چون از شام بیرون آمدند هر دوی که  
 نشان شام بود و چون بود میدیدند نیز شرب را با آن صفت یافتند ایضا  
 ساکن شدند و معاویت دمی گشتند پس آن جماعت که بودند و اهل آن

صلی الله علیه و سلم خوانده بودند و دانسته متصرف شوند و اهل آن  
 صلی الله علیه و سلم دانستند که میبوستند و او هر چند در فرزندان خود را  
 وصیت میکردند که بوی ایمان آرند و معاویت نمایند اما بعضی  
 فرزندان ایشان که ویرا یافتند کشتیاختند ایمان نبردند  
**و از آنکه گفت** که گفت بن لوی بن غالب که میان بدت  
 و بی وصیت رسول صلی الله علیه و سلم با بقصد و بخت رسالت  
 بوده است بنا بر آنکه از اهل تورات با تحویل شنیده بوده است  
 ذکر رسول صلی الله علیه و سلم میکرد است و در خطبه های خود  
 صفات لغوت دمی میگفته و از جمله سخنان دمی است این  
 دو بیت **شعر** علی غفلة یا لی البنی محمد فی غیر اخبار  
 صد و قاضیه **و از آنکه گفت** که ابن عدی بن سنان  
 که مخبر نام داشت برسد که بزرگوار در جاهلیت چون محمد نام  
 نهاد گفت من نیز این را از پدر خود پرسیدم گفت چهار تن  
 اتفاق سفر افتاد که یکی از ایشان من بودم نزدیک شهری فرود  
 آمدیم و با یکدیگر سخن میگفتم صاحب بر سر برهون کرد گفت

صلی الله علیه و سلم